

تربیت جنسی فرزندان باتاکید بر وظایف والدین از نگاه فقهی

نیک محمد خلیلی^۱

چکیده

از آنجا که تربیت فرایندی جامع و کامل است، در این فرایند باید به تمام زوایای وجود انسانی و همه استعدادها و توانایی‌های طبیعی و فطری او توجه شود و برای رشد، پرورش و هدایت آنها برنامه‌ریزی گردد. از جمله باید تربیت جنسی به عنوان ساحتی مهم از ساحت‌های تربیت مورد توجه قرار گیرد و برای ارضا، هدایت و جهت دادن غریزه جنسی، شناخت‌ها و آگاهی‌های جامع و راهکارهای واقع بینانه ارائه شود. بر این اساس، چنین می‌نماید که فرایند تربیت با چشم‌پوشی از تربیت جنسی، ناکارآمد، ناقص و بی‌ثمر است. بنابراین، نگاه صحیح و واقع‌بینانه به غریزه جنسی و ارضا، هدایت و جهت‌دهی آن، عاملی در راه تکمیل و تکامل و سعادت فرد و راهکاری برای پیشرفت و ارتقای معنوی جامعه بشری است، اما برخورد ناصواب و رفتار نامناسب با آن و پیمودن راه افراط و آزادی جنسی یا راه تفریط و سرکوب، بی‌شک آسایش و آرامش را زایل و سلامت جسم و جان و سعادت و کمال انسان را تباه و جامعه بشری را با چالش‌های فراوان مواجه می‌سازد.

پرداختن به تربیت جنسی در عصر حاضر از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا در دهه‌های اخیر، پیشرفت تمدن مادی و فناوری و گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و وسایل ارتباط جمعی و شیوع ابزار برانگیزاننده جنسی، آن هم با تعلیم و تربیت سکولاریستی، حیات جامعه را با مخاطره جدی مواجه و هر روز این مشکل را عمیق‌تر می‌سازد.

این تحقیق با روش تحلیلی تفسیری متون فقهی و با هدف تبیین وظایف والدین در تربیت جنسی فرزندان صورت گرفته است. نوشتار حاضر درصدد بررسی و تبیین فقهی سئوالاتی درباره تربیت جنسی فرزندان و وظایف والدین در این باره است.

واژگان کلیدی: تربیت جنسی، تربیت، وظایف والدین، فقه، غریزه جنسی.

^۱ دانش آموخته سطح ۴ حوزه و دکتری قرآن و علوم موسسه علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه

غریزه جنسی، یکی از تمایلات و کشش‌های طبیعی انسان است که هرگونه رویکرد افراطی و یا تفریطی به آن در انکار و سرکوب و یا آزادی مطلق و بی بند و باری در آن، بهداشت جسمی و روانی وی را به خطر می‌اندازد. تجربه بشر امروز، نشان داده که در رویکرد انکار و سرکوب غریزه جنسی و نیز آزادی مطلق آن، آسیب‌های متنوعی را در پی دارد.

امروزه ضرورت آگاهی دادن به فرزندان درباره مسائل جنسی، از زمان‌های گذشته بیشتر است؛ زیرا وسائل برانگیزاننده شهوت جنسی در سطح دنیا گسترش یافته، بدین سبب، باید با بهره‌گیری از آموزه‌های دین مبین اسلام و اندیشه دانشوران مسلمان، آگاهی‌ها، آموزش‌ها و هشدارهای لازم در اختیار نوجوانان و جوانان گذاشته شود تا از حساس‌ترین مرحله زندگی، یعنی دوران بیداری و طغیان غریزه جنسی به سلامت عبور کنند. هر انسانی در مسیر رشد جسمی و روانی خویش، با فیزیولوژی و تفاوت‌های دو جنس مرد و زن آشنا می‌شود و پرسش‌های فراوانی، پیش روی وی قرار می‌گیرد. در عصر حاضر با تکثر اطلاعات شنیداری و دیداری ناشی از سیطره رسانه‌ها بر زندگی انسان، کنجکاوی‌های نوجوانان بیشتر می‌شود؛ به ویژه به راهبرد عمومی رسانه‌های غربی در ارائه سکس و خشونت به صورت دو محور اصلی در تولیدات خود.

صرف نظر از اختلال ایجاد شده از سوی رسانه‌ها در رشد طبیعی جسمی و جنسی کودکان، یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها و والدین، بلوغ جنسی فرزندانشان است و اینکه چگونه این غریزه خفته را - که همچون در انبار کاه، منتظر جرقه‌ای میماند - هدایت کند.

از آموزش جنسی و یا تربیت جنسی دست کم دو تلقی می‌شود: یکی بیشتر بر انتقال اطلاعات زیستی و روانشناختی درباره اعضا تناسلی و راه‌های کاهش آسیب‌های جسمی و روانی، جلوگیری از بارداری و سقط جنین و مسائل از این دست، تاکید می‌کند و رویکرد فرهنگی و اخلاقی در این تلقی، به چشم نمی‌خورد. این رویکرد بیشتر در شیوه تربیت سکولار و لیبرالیسم تربیتی مشاهده می‌شود که تمام هدفش کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آزادی جنسی است؛ رویکرد دوم، آموزش و انتقال اطلاعات را مقدمه پرورش و

جهت‌دهی به غریزه جنسی می‌داند و از خود کنترلی، پاکسازی محیط از محرک‌های جنسی و راه‌های تعیین شده برای ارضای غریزه جنسی و الگوسازی برای یک زندگی لذت بخش در کنار همسر قانونی و راهبردهای دیگر، سخن می‌گوید. رویکرد دوم متعلق به شیوه تربیت اسلامی است که هدفش مهار و جهت‌دهی غریزه جنسی همچون دیگر غرایز و استعدادهاست که باید در مسیر تعلیم تربیت به رشد و شکوفایی مطلوب خود برسد و سکوی پروازی برای انسان، بسوی انسانیت و تعالی باشد.

برخی از جوامع سنتی (و به اصطلاح غیر مدرن) بر اساس نظام ارزشی خود، سخن گفتن درباره غریزه جنسی و یا ارائه آگاهی‌های جنسی را به جوانان و نوجوانان، خوشایند نمی‌دانند؛ اما متون اسلامی و به ویژه قرآن کریم در ۱۴۰۰ سال پیش، به طور مستقیم در آیات متعددی به تبیین حدود ارضای غریزه جنسی و تعیین چارچوب‌های رفتاری برای آن پرداخته است.

مفهوم و تعریف تربیت جنسی

مقصود از تربیت جنسی، آموزش جنسی، دانستنی‌های جنسی یا پروردن و اوج دادن غریزه جنسی نیست. دانشوران علوم تربیتی و روانشناسی و عالمان دینی، تربیت جنسی را در معنای گسترده‌تری بکار برده‌اند.

موريس دبس درباره تربیت جنسی چنین آورده است: دوره نوجوانی و جوانی، از لحاظ زیست‌شناسی با بیداری جنسی مقارن، و از لحاظ روانشناسی دارای خصایص پیچیده است. بدین سبب، این دوره برای مربیان و متربیان دوران نگرانی است و با در نظر گرفتن این خصایص، نخست باید نوجوانان را یاری کرد تا به آسانی از این سنین پر آشوب بگذرد و نباید گذاشت این سنین، باعث التهاب بیهوده و تجارب پرخطر گردد.

بنابراین، هر دانش‌آموز باید بتواند با یک معلم آگاه و مجرب که مورد قبول خود او نیز است، تماس بیشتری داشته باشد تا در تربیت جنسی به او کمک کند. این بدان سبب است که تغییرات بلوغ، به معنای اخص کلمه مستلزم تربیت جنسی است. البته برای این مهم، اطلاع از معلومات پزشکی، زیست‌شناسی و جامعه‌شناختی کافی نیست؛ زیرا دانستنی‌های پزشکی و زیستی، تنها به تغییرات بدنی مربوط است و آگاهی‌های جامعه‌شناختی نیز تنها به انواع یادگیری اهمیت می‌دهد. از این رو، باید در تاثیر و تاثر دو جانبه اعمال و اجتماعی که نوجوان آن آثار را تحویل می‌گیرد و آنها را دگرگون می‌سازد، مطالعه جدی صورت گیرد. کار مربی آگاه

این است که میان این دو فشار، تعادل برقرار کند تا راه را برای ترقی نوجوان هموار سازد (دبس، ۱۳۶۸، ترجمه علی محمد کاردان: ۱۴۸-۱۶۲).

از این توضیحات تا حدودی تعریف تربیت جنسی و جایگاه و اقتضائات آن به دست آمد. یکی از عالمان علوم تربیتی، تربیت جنسی را از وظایف بسیار مهم اولیا و مربیان دانسته و آن را با دانستنی‌ها و آگاهی‌های جنسی خلط کرده و چنین نگاشته است: «بی تردید تربیت جنسی، یعنی با خبر ساختن به موقع نوجوانان از معنا و مفهوم علایم بلوغ، و بیان فلسفه فعالیت‌های جنسی، جزء لاینفک وظایف والدین و مربیان است. بدیهی است که بحث درباره این قبیل مطالب، باید با احتیاط و روش صحیح و احیانا به طور غیرمستقیم و در هر حال توسط افراد با حسن نیت صورت گیرد» (شکوهی، ۱۳۶۳: ۱۸۳-۱۸۴).

تعریف مختار از تربیت جنسی، تربیت جنسی عبارت است از: «فرآیند یاری‌رسانی به متربی، برای جهت گیری مناسب غریزه جنسی و جلوگیری از انحرافات آن در دوره پس از بلوغ». روشن است که واژه «جنسی» در عبارت «تربیت جنسی» ناظر به جنسیت فرزند نیست و بیشتر به پرورش و رشد غریزه جنسی نظر دارد؛ به گونه‌ای که از انحرافات جنسی در دوره بعد از بلوغ، جلوگیری کند. همچنین در این تعریف «تربیت جنسی» از «اخلاق جنسی» جدا شده است؛ زیرا اولی به دیگر سازی و دومی به خودسازی در کنترل و هدایت امیال جنسی اختصاص دارد.

مبانی حقوق فرزند در زمینه تربیت جنسی

الف) تربیت جنسی فرزند زمینه‌ساز تربیت جامع فرزند:

از سویی، تربیت جنسی جزئی از تربیت عمومی فرزند است و اقتضای برخورداری کودک از حق تعلیم و تربیت صحیح و نیکو این است که از تربیت جنسی مناسب و شایسته نیز محروم نگردد. اسلام چون به همه زمینه‌های رشد شخصی و شخصیتی فرزند عنایت دارد، به حیات جنسی او نیز توجه نموده است؛ بنابراین، از آن جا که غفلت از یکی از ابعاد تربیت، تربیت دیگر ساحت‌های وجودی انسان را دستخوش انحراف و تغییر می‌سازد، و حتی با فرض صحت و سلامت دیگر ابعاد تربیت، انسان را از تربیت جامع و هماهنگ محروم می‌سازد، از این رو، تربیت جنسی کودک امری ضروری است.

ب) تربیت جنسی کودک ضامن سلامت روحی و روانی و رفتاری کودک:

رشد و پرورش صحیح غریزه جنسی، فرزند را در دستیابی به سلامت روحی، فکری و روانی لازم برای زندگی شایسته کمک می‌کند؛ همانطور که اهتمام نوزیدن به تربیت جنسی کودک او را به انحرافات و ناهنجاری‌های رفتاری مخربی می‌کشانند که حیات فردی و اجتماعی وی را در معرض خطر قرار می‌دهد. در روایات عفت بطن و فرج به عنوان عامل سعادت آدمی معرفی شده است و در نقطه مقابل، انحرافی که از ناحیه بطن و فرج ممکن است عاید آدمی شود به حدی وخیم و دهشتناک تصور شده که فنا و نابودی و شقاوت آدمی را سبب می‌شود. پیشگیری از نابودی و انحراف انسان اقتضا می‌کند که مواجهه صحیح با غریزه جنسی داشته و تربیتی شایسته را به کودکان هدیه کند و در زمان مناسب به آنها آموزش لازم را ارائه دهد.

ج) تربیت جنسی تضمین تکامل و تعالی معنوی کودکان:

تربیت جنسی کودک تضمین‌کننده تکامل و تربیت او در دیگر ابعاد وجودی خویش است؛ در روایات اسلامی، سطوح نیازهای آدمی شمرده شده و ارتباط میان آنها نیز مشخص گشته است؛ از دیدگاه متون اسلامی، نیاز به پرستش به عنوان عالیترین نیاز انسانی هنگامی به خوبی پاسخ داده می‌شود که فرد از لذت‌های حلال و مشروع که خداوند برای او قرار داده در سطح متعادل بهره‌برد. فردی که از این لذت‌ها بی‌بهره باشد، در سطوح اجتماعی، اقتصادی و عبادی شخصیت خویش با کاستی‌ها و ناکامی‌ها مواجه خواهد شد.

د) تربیت جنسی کودکان، عامل کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی:

امروزه از بیشترین مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی، انحرافات و جرایم جنسی است؛ همچنین از جمله علل ناهنجاری‌ها و جرایم دیگری همچون قتل و ضرب و جرح‌های بدنی هریک از زوجین نسبت به یکدیگر (همسر آزاری)، طلاق و تنش‌های خانوادگی با منشا جنسی و...، تربیت نادرست جنسی هر یک از زوجین است. پیشگیری از این مشکلات و معضلات تنها با وضع قوانین کیفری و مدنی امکان‌پذیر نیست، چه بسا بتوان گفت عدم بهره‌مندی فرد از تربیت جنسی با متوجه ساختن ضمانت اجرای کیفری به او، در تعارض

و با عدالت انسانی که همواره مورد نظر اسلام است، سازگاری ندارد؛ عدالت و انصاف اقتضا می‌کند فرد از تربیت جنسی صحیح برخوردار شود تا اگر خطایی از او سر زد، بتوان او را مواخذه کرد.

شایسته است ذکر شود که پژوهش درباره وظایف والدین در تربیت جنسی، مسائل و پرسش‌های متعددی را در بر دارد و نوشتار حاضر، تنها به بخشی از وظایف والدین - که متون دینی بر آن تاکید ویژه کرده‌اند - می‌پردازد و جامع همه پرسش‌ها در حوزه آموزش جنسی و اصول و روش‌های آن نیست.

مساله اول، میزان مسئولیت والدین را در تربیت جنسی فرزندان از نظر شریعت اسلامی بررسی می‌کند؛

مساله دوم، پنهان کاری در روابط زناشویی را به منزله یکی از اصول تربیت جنسی برای حذف محرک‌های جنسی در خانواده و پیرایش محیطی بررسی می‌کند و ادله شرعی آن را می‌کاود؛

مساله سوم، به مسئولیت والدین در آموزش «استیذان» (اجازه گرفتن)، معنا شناسی آیات مرتبط قرآن کریم در حوزه تربیت جنسی و نوع تکلیف شرعی والدین در این باره می‌پردازد،

مساله چهارم، براساس تاکیدات روایات اسلامی، یکی از روش‌های پیشگیرانه در تربیت جنسی، یعنی «جداسازی فرزندان» را بررسی و حکم شرعی آن را استنباط می‌کند.

مساله اول: وظایف والدین در تربیت جنسی

در مقدمه باید توضیح داد که فرزندان، پس از بلوغ، مانند همه مردان و زنان بالغ به رعایت چارچوب‌هایی درباره مسائل جنسی، مکلف می‌شوند. فهرستی از انحرافات جنسی و رفتارهای حرام، به قرار ذیل است:

۱. زنا (شامل روسپی‌گری، فاحشه‌گری، زنا محصنه، زنا با محارم، تجاوز به عنف و...)

۲. همجنس‌بازی (لواط و مسحقه)؛ ۳. کودک‌خواهی؛ ۴. حیوان‌بازی؛ ۵. مبدل‌پوشی (تشبه‌ظاهری به جنس

مخالف)؛ ۶. خودارضایی (استمناء)؛ ۷. نگاه به نامحرم؛ ۸. هرگونه تماس جسمی با نامحرم؛

۹. واسطه‌گری (قیادت) و...

دلایل متعدد قرآنی و روایی، والدین را موظف می‌کند تا زمینه آگاهی و آمادگی لازم را برای رعایت این چارچوب‌های رفتاری در فرزندان خود مهیا کنند. در ادامه به سه دلیل برای اثبات وظیفه مندی والدین در تربیت جنسی فرزندان و میزان چگونگی این مسئولیت بررسی می‌شود.

دلیل ۱. آیه شریفه صیانت از فرزند

خداوند متعال در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها الناس والحجاره؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، حفظ نمایید» این آیه از غرر آیات تربیت خانوادگی است و پشتوانه محکمی برای بسیاری از مسئولیت‌های والدین در تربیت فرزند به شمار می‌رود. طبق این آیه، والدین برای حفاظت از فرزندان، مسئولیتی الزامی دارند. بر آنان واجب است که تدابیر آموزشی و پرورشی را به نحوی سامان دهند تا فرزندان پس از سن تکلیف به احکام دینی ملتزم باشند و با عبور از خطوط قرمز شرعی، دچار عقوبت اخروی نشوند.

موضوع این آیه کریمه، صیانت از ابتلا به عذاب اخروی است و در بحث حاضر، ایجاد تعادل در غریزه جنسی و مهار آن و قرار دادن این میل درونی در مسیر طبیعی خود، مستلزم برنامه‌ریزی و بهره‌گیری والدین از متخصصان دینی و تربیتی است. بر اساس آیه وقایه، بر والدین واجب است تا فرزندان خود را از محرمات جنسی باز دارند و تا آنجا که برای‌شان مقدور است از انحرافات جنسی فرزندان در دوران بلوغ و پس از آن بکاهدند و روشن است که مقدمه این کار، مراقبت و تربیت جنسی پیش از دوران بلوغ است.

دلیل ۲. آیه یاری فرزندان در پاکدامنی

در سوره مبارکه مائده «تعاونوا علی البر والتقوا» این آیه از منظر فقه اجتماعی، اهمیت بسیاری دارد. در این آیه شریفه، خداوند می‌فرماید: در نیکی و تقوا به یکدیگر یاری برسانید و در گناه و دشمنی، یاور همدیگر نباشید. باید توجه داشت که به لحاظ لغوی، واژه «تعاون» به معنای مشارکت چند نفر در یک کار و «اعانه» به معنای کمک به دیگری، در کار اوست؛ به عبارت دیگر در تعاون، چند نفر، یک کار (مانند بلند کردن میز) را انجام می‌دهند و انجام آن کار به همه مشارکت کنندگان نسبت داده می‌شود؛ اما اعانه به معنای مقدمه

سازی و فراهم کردن شرایط انجام کار برای شخص دیگر است؛ بدین ترتیب، کار اصلی (ذی المقدمه) را یک نفر انجام می‌دهد و فعل اصلی به او منتسب است.

پس از این توضیحات مقدماتی، باید توجه داشت که با توجه به شواهد، منظور از واژه «تعاونوا» در این آیه، معنایی اعم از مشارکت (تعاون) و کمک در مقدمات (اعانه) است. همچنین واژه «تعاونوا» صیغه امر است و بر وجوب، دلالت دارد؛ اما طبق برخی قراین باید از دلالت صیغه امر بر وجوب دست برداشت؛ مثل اینکه «بر» و تقوا، دایره مستحبات را نیز شامل می‌شود؛ دیگر اینکه یاری دیگران در مستحبات، نمی‌تواند واجب باشد. بنابراین هرگونه کمک به دیگران و مشارکت با آنان در کارهای نیک و تقوا، استحباب شرعی دارد.

روشن است که پاکدامنی فرزندان و رعایت حریم‌های دینی در مسائل جنسی، مصداق بر و تقواست و کمک به فرزندان در بهره‌گیری صحیح از گزینه جنسی و مهار و اطفای صحیح آن مصداق آیه «تعاونوا علی البر و التقوی» است؛ نتیجه اینکه طبق این آیه؛ آموزش، تربیت جنسی و هر گونه مراقبت جنسی برای پرورش گزینه جنسی فرزندان، برای والدین، مستحب است.

اما صرف نظر از این وظیفه عام استحبابی - که هرنوع مراقبت و تربیت جنسی را برای والدین مستحب می‌شمارد - ادله دیگر، این مسئولیت را به مرز وجوب رسانده‌اند.

در رساله الحقوق امام سجاد(ع) آمده است که حضرت در آن رویت وظیفه والدین را در راهنمایی فرزندان برای خدایابی و اطاعت از فرامین الهی، با تعابیری مانند «حق ولدک» و «انک مسئول عما ولیته» بیان فرموده اند «و اما حق ولدک... وانک مسئول عما ولیته من حسن الادب والدلاله علی ربه عز وجل والمعونه علی طاعته» این سخنان، بر واجب بودن این وظیفه بر والدین دلالت دارد.

نکته‌ای که باید در این مجال به آن افزود این است که واژه «طاعته» تنها به عبادات و مناسکی مانند نماز و روزه انصراف ندارد بلکه تمام واجبات و محرمات الهی را شامل می‌شود؛ از جمله چارچوب‌های رفتاری در کنترل و جهت دهی گزینه جنسی را نیز در بر می‌گیرد. همچنین باید یادآوری کرد که رویکرد تعلیم و تربیت لیبرال در آموزش جنسی، رویکرد درمان‌گراانه است و هدف آن کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند فرزندان بی پدر، سقط جنین و مانند آن و نیز بیماری‌های مقاربتی مانند سوزاک، ایدز و ... است؛ اما رویکرد

تربیت اسلامی، هم درمان‌گرانه و هم پیشگیرانه است. این رویکرد، نگاهی واقعی‌تر و ریشه‌ای‌تر است و با به رسمیت شناختن غریزه جنسی در حد و اندازه خود، راه تعادل بخشی و هدایت آن را در مسیر طبیعی هموار می‌کند.

نتیجه این که براساس این فراز از رساله الحقوق، بر والدین واجب است تا به فرزندان خود در رعایت حریم های جنسی کمک کند و روشن است که برای امتثال این تکلیف، والدین باید برنامه‌ها و اقداماتی را پیش از بلوغ ترتیب دهند و اساس شخصیت آنان را در مسیری صحیح و سالم قرار دهند.

دلیل ۳: آیه زمینه‌سازی برای حرام

پیش از طرح دلیل سوم باید توجه داشت که در مواردی، رفتار والدین در مسائل جنسی می‌تواند آسیب‌زا و چه بسا زمینه‌ساز انحرافات جنسی برای فرزندان شود. آیه دوم سوره مائده که در فراز اول بر استحباب همکاری و یاری‌رسانی در کارهای نیک دلالت دارد، در فراز دوم هرگونه زمینه‌سازی، همکاری و مشارکت را در معصیت، حرام می‌شمارد «ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان». عبارت «لاتعاونوا» صیغه نهی است و بر حرمت دلالت دارد. در فراز اول واژگان «البر و التقوا» شامل مستحبات نیز می‌شد و به همین دلیل از ظهور صیغه امر (تعاونوا) در وجوب دست بر می‌داشتیم؛ اما عبارت «الاثم و العدوان» بر محرمات دلالت دارد و به همین دلیل ظهور «لاتعاونوا» در حرمت، بدون اشکال است.

ملاحظه شد که در دلیل پیشین به صورت ایجابی، والدین موظف‌اند برنامه‌ها و اقداماتی را ترتیب دهند تا فرزندان با مهار صحیح غریزه جنسی و ارضای آن از راه‌های مشروع، به فرامین الهی گوش فرا دهند؛ اما این دلیل به صورت سلبی، والدین را موظف می‌کند که مبدا به جای تربیت جنسی فرزندان، زمینه‌ساز انحرافات جنسی‌شان باشند. از این منظر، روایات متعددی با نگاه پیشگیرانه، والدین را به وظایف مراقبتی موظف کرده‌اند که در ادامه در مساله‌های بعدی شماری از آنها بررسی می‌شود. طبق تحقیقات آماری، کودکانی که والدین بزهکار دارند بیشتر احتمال دارد که به آسیب‌های اجتماعی و انحرافات اخلاقی، مبتلا شوند. نتیجه اینکه طبق این دلیل، هر نوع زمینه‌سازی برای انحرافات جنسی فرزندان برای والدین، حرام است؛ البته تشخیص میزان تسبیب، زمینه چینی و تعیین مصادیق آنها بر عهده عرف است.

جمع‌بندی و ویژگی‌های این وظیفه

گفته شد که تربیت جنسی عبارت است از: اقدامات مربیان برای جهت‌گیری مناسب غریزه جنسی و جلوگیری از انحرافات جنسی در دوره بعد از بلوغ. مجموعه دست‌آورد‌های پژوهشی مساله اول و نیز تبیین برخی از زوایای این مساله:

تربیت جنسی فرزندان و قرار دادن غریزه جنسی در مسیر صحیح کنترل و ارضا بر والدین واجب است.

علاوه بر تربیت جنسی، آموزش جنسی نیز بر والدین واجب است؛ یا از باب مقدمه واجب و یا از باب شمول ادله نسبت به این مفهوم. محتوای این آموزش‌ها دست کم شامل احکام رایج فرزندان، اعم از احکام مربوط به روابط محرم و نامحرم تا مسائل مربوط به احتلام می‌شود.

هر چند پیش از بلوغ، فرزندان، تکلیفی در مسائل جنسی ندارند؛ اما برای تثبیت و نهادینه‌سازی، والدین باید اقدامات مراقبتی و تربیتی خود را پیش از بلوغ ترتیب دهند؛ به عبارت دیگر، وجوب تربیت جنسی بر والدین هم جنبه پیشگیرانه دارد و هم درمان‌گرانه.

این مسئولیت بر عهده والدین است که با انجام کامل یکی از آن‌ها، از دیگری ساقط می‌شود؛ هر چند همراهی، و هماهنگی و مشورت والدین در این زمینه‌ها استحباب موکد دارد.

باید توجه داشت که این تکلیف از نوع واجب توصیلی است؛ یعنی انجام آن مقوم به قصد قربت الهی نیست؛ البته نیت خداخواهانه در تعامل با فرزندان، تاثیرات روان شناختی زیادی دارد و ثواب اخروی می‌آورد.

زمان آغاز تربیت جنسی، پیش از بلوغ است؛ ولی بر مبنای آیه وقایه و نیز رساله الحقوق، انتهای زمانی برای آن متصور نیست؛ یعنی والدین نسبت به جهت‌گیری صحیح غریزه جنسی و هدایت آن به مسیر صحیح ارضا و کنترل آن تا سنین بزرگسالی فرزندان نیز مسئولیت دارند. البته شیوه برخورد با فرزندان جوان و بزرگسال، اقتضائات خاصی دارد که باید رعایت شود.

وظیفه صیانت از فرزندان و تکلیف حفاظتی والدین مشروط به احتمال تاثیر است؛ پس اگر والدین به عدم تاثیر، اطمینان داشته باشند، وظیفه‌ای بر عهده آنان نیست. همچنین منظور از این اطمینان، اطمینان شخصی

والدین است، نه اطمینان نوعی. هرچند نظریات کارشناسی و نیز برداشت‌های عرف و عقلا، در شکل‌گیری اطمینان والدین، موثر است، اما وظایف تربیتی و اصلاحی والدین در تربیت و به ویژه تربیت جنسی، متوقف بر اطمینان شخصی است.

مساله دوم: پنهان کاری در روابط زناشویی

یکی از وظایف دیگری که والدین به آن مکلف شده‌اند، پنهان کاری در روابط خاص زناشویی (همبستری) است. بدون تردید ارتباط جنسی زن و شوهر در حضور فرد ثالث، یک انحراف جنسی مسلم است و موجب بروز ناهنجاری‌های روانی و لغزش‌ها و انحراف‌های جنسی در آن فرد می‌شود. بدین سبب، پدران و مادران باید کاملاً توجه و عنایت ویژه به این مهم داشته باشند و در حضور فرزند خود، از مراوده جنسی و سخن عاشقانه و آمیزش جنسی سخت پرهیزند و خیال نکنند کودکان به آن مسائل توجه ندارند یا از درک آن مسائل عاجزند یا زود آن صحنه‌ها را فراموش می‌کنند و از خطرشان محو می‌شود. روایات از اهل بیت (ع) در این رابطه وارد شده است که بررسی می‌شود: روایت راشد «علی بن ابراهیم عن ابیه عن القاسم بن محمد الجوهري عن اسحاق بن ابراهیم عن ابن راشد عن ابیه قال: سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: لا یجامع الرجل امراته و لا جاریته و فی البیت صبی فان ذالک مما یورث الزنا؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: موقعی که کودکی در اتاق، حضور دارد، نباید مرد با همسر و کنیز خود مجامعت کند؛ زیرا این عمل، زناکاری کودک را در پی دارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۰۰) (در سند این روایه اسحاق بن ابراهیم جعفری، بن راشد قرار دارد که توصیف ندارد).

روایت زید: «علی بن ابراهیم عن ابیه عن عبدالله بن الحسین بن زید عن ابیه عن ابی عبدالله (ع) قال قال رسول الله (ص) والذی نفسی بیده لو ان رجلاً غشی امراته و فی البیت صبی مستیقظ یراهما و یسمع کلامهما و نفسهما ما افلح اذا کان غلاماً کان زانیاً او جاریته کانت زانیه و کان علی ابن الحسین (ع) اذا اراد ان یغشی اهلہ اغلق الباب وارخی الستور و اخرج الخدم؛ امام صادق (ع) می‌فرماید که پیامبر (ص) فرمود: قسم به آنکه نفسم در دست اوست، همانا اگر مردی با زنش در حالی مجامعت کند که کودک در خانه، بیدار باشد و آن دورا می‌بیند و کلام و نفسشان را می‌شنود، هرگز رستگار نخواهد شد؛ اگر پسر باشد، زناکار و اگر دختر باشد، دختر زناکننده می‌شود. امام سجاد (ع) زمانی که می‌خواست با اهلش خلوت کند، در را می‌بست

و پرده‌ها را می‌انداخت و خادم‌ها را بیرون می‌فرستاد» (کلینی ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۰۱) (درسند این روایت عبدالله بن الحسین بن زید ذو دمه توصیف وارد نشده).

روایت جابر: «الحسین بن بسطام و اخوه فی طب الاثمه عن احمد بن الحسین بن الخلیل عن محمد بن اسماعیل عن نعمان بن یعلی عن جابر قال قال ابو جعفر (ع) ایاک والجماع حیث یراک صبی یحسن ان یصف حالک قلت یابن رسول الله کراهه الشنعه قال لا فانک ان رزقت ولدا کان شهره علما فی الفسق والفجور؛ امام باقر (ع) فرمود: از مجامعت در جایی که کودکی، تو را می‌بیند و می‌تواند رفتارت را درک و توصیف کند، بیهیز کن (راوی می‌گوید به امام (ع) عرض کردم کراهت شنیع دارد؟ فرمود: نه؛ پس همانا اگر از این مجامعت، صاحب فرزندی شدی، در فسق و فجور، شهرت آشکاری خواهد داشت» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۳۴) (در سند این روایت نیز افرادی مانند حسین بن بسطام و برادرش عبدالله و احمد و محمد بن اسماعیل و نعمان توصیف ندارند).

روایت ابی بصیر: حسین بن بسطام و اخوه فی طب الاثمه عن خلف بن احمر عن محمد بن مروان عن ابن ابی عمیر عن سلمه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله (ع) انه قال: ایاک ان تجامع اهلک و صبی انظر الیک فان رسول الله (ص) کان یکره ذالک اشد کراهیه؛ امام صادق (ع) فرمودند: از مجامعت با اهلت در حالیکه نگاه می‌کند، بیهیز، همانا رسول خدا (ص) نسبت به این امر، کراهت بسیار شدیدی داشتند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۳۴).

روایتی از کتاب جعفریات: اخبرنا عبدالله اخبرنا محمد حدثنی موسی قال حدثنی ایبه عن جده جعفر بن محمد عن ایبه عن جده علی بن الحسین عن ایبه عن علی (ع) قال: نهی رسول الله (ص) ان یجامع الرجل امراته والصبی فی المهد ینظر الیهما؛ امام علی (ع) فرمودند: رسول خدا (ص) از همبستری مرد با زنش، درحالی که کودکی در گهواره، به آن دو نگاه می‌کند، نهی فرمودند». (ابن اشعث کوفی، الجعفریات: ۹۶؛ نوری ۱۴۱۶، ج ۱۴: ۲۲۸) (البته سند این کتاب معتبر نیست).

ملاحظه می‌شود که هیچ یک از روایات فوق، اعتبار سندی ندارد و اگر سند این روایات معتبر بود، می‌توانست بر حرمت مجامعت در صورت دیدن کودک، دلالت داشته باشند، زیرا رویت اول اخبار در مقام انشاء است و باقی روایات یا با تعبیر «ایاک» و یا نهی آمده است؛ اما با توجه به ضعف سندی، کراهت شدید

مجامعت در حضور کودک، برداشت می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به کثرت روایات ضعیف السند، ممکن است نوعی اطمینان به صدور حاصل شود و این روایات، مشمول قاعده «ضم احادیث ضعاف» قرار گیرند که در این صورت، می‌توان به حرمت در مضمون مشترک و قدر متیقن (جماع در منظر کودک که توان توصیف دارد) قایل شد.

همچنین واژه «بیت» به معنای اتاق است. پس منظور این نیست که هنگام همبستری، کودک در خانه نباشد؛ بلکه مراد، حضور نداشتن، در اتاق خلوت والدین است. از سوی دیگر اطلاق کلام، مادر را نیز شامل می‌شود و مادر هم به این وظیفه مراقبتی، تکلیف شده است.

نتیجه آنکه، همبستری والدین در حضور کودک بیدار و هوشیار، حرام است. همچنین اگر بر اساس رای کارشناسان تربیتی، این عمل به شکل مستقیم بر انحرافات جنسی فرزندان در آینده موثر باشد، از باب حرمت «اعانه بر اثم» و یا وجوب وقایه، پنهان کاری والدین در روابط خاص زناشویی و همبستری، واجب خواهد بود. هر چند این روایات تنها درباره مجامعت است؛ اما با الغای خصوصیت، شامل دیگر تمتعات جنسی نیز می‌شود و به شکل یک اصل کلی از مجموعه ادله می‌توان استنباط کرد که والدین موظف‌اند روابط زناشویی خود را از فرزندان پوشانند. اصل پنهان کاری والدین از آیه استیذان (اجازه گرفتن) که در مساله بعد مطرح می‌شود نیز قابل برداشت است.

مساله سوم: آموزش استیذان (اجازه گرفتن)

فضای خانه باید از تحریکات جنسی و از هرگونه بدآموزی جنسی پیراسته و حیا و عفت بر آن چیره باشد. این نظر، با الهام یابی از قرآن کریم است که به کودکان، و نوجوانان و جوانان فرمان می‌دهد هرگاه خوستند به اطاق استراحت والدین خویش وارد شوند، اجازه بگیرند؛ به ویژه در سه نوبت که پدر و مادر حالت فردی و خصوصی دارند و غالباً جامه‌های معمولی خود را بیرون می‌آورند و به استراحت می‌پردازند.

گفته شد که والدین به پنهانکاری در روابط زناشویی، تکلیف شده‌اند. همچنین براساس آیات قرآنی، باید فرزندان را به گونه‌ای تربیت کنند که هنگام ورود به حریم خصوصی و محل خلوت آنان، اجازه بخواهند. مهمترین دلیل این مسئولیت والدین، آیات ۵۸-۵۹ سوره مبارکه نور است.

دلیل ۴: آیه استیذان (اجازه گرفتن)

خداوند حکیم در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

« یا ایها الذین آمنوا لیستاذنکم الذین ملکتم ایمانکم والذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرات من قبل صلوات الفجر و حین تضعون ثیابکم من الظهیر و من بعد صلوات العشاء ثلاث عورات لکم لیس علیکم ولا علیهم جناح بعد هن؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به سن بلوغ نرسیده‌اند سه بار (در شبانه روز) از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید، و پس از نماز شامگاهان. این، سه هنگام برهنگی شماست، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این سه هنگام گرد یکدیگر بچرخید (و با هم معاشرت کنید). خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانای سنجیده کار است. و چون کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند؛ همانگونه که افراد پیش از ایشان، کسب اجازه کردند. خداوند آیات خود را اینگونه بیان می‌دارد، و خدا دانای سنجیده کار است.»

ملاحظه می‌شود که در این دو آیه شریفه، به کودکان غیر بالغ دستور داده شده که بدون اجازه به خلوتگاه والدین وارد نشوند؛ همان که افراد بالغ نیز باید اجازه بگیرند. این معنای اولیه آیه شریفه است. در ادامه به بررسی زوایای دیگری از آیه می‌پردازیم:

اجازه گرفتن و آموزش آن

در آیه ۵۸ با عبارت «لیستاذنکم» وظیفه کودکان نابالغ روشن شد. همچنین وظیفه آنان پس از بلوغ نیز با عبارت «و اذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستاذنوا کما استاذن الذین من قبلهم» در آیه ۵۹ آشکار شد. در هر دو تعبیر، صیغه امر غایب به کار رفته است که ظهور اولیه آن، وجوب اجازه گرفتن کودکان نابالغ و بالغ است. وجوب اجازه گرفتن برای افراد بالغ، قابل پذیرش است؛ اما چگونه می‌توان تکلیف واجب را به کودکان نابالغ متوجه کرد؟ در پاسخ چند احتمال مطرح است:

۱. اجازه گرفتن کودکان نابالغ، تکلیفی تمرینی است، نه مولوی که مستلزم عقاب و ثواب اخروی باشد.

این احتمال در کلام برخی محققان دیده می‌شود (سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲: ۲۲۴ و

نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹: ۸۳). بر مبنای همین احتمال برخی بر این باورند که با توجه به ادله «رفع قلم از صبی» از ظهور صیغه امر باید دست برداشت و در واقع، خطاب امر، متوجه والدین است که به آموزش به فرزندان و امر به اجازه گرفتن، تکلیف شده‌اند (انصاری، ۱۴۲۹، ج ۳: ۵۰۵).

۲. احتمال دوم، صیغه امر «لیستاذنکم... الذین لم یبلغوا الحلم» را مولوی می‌داند که بر «وجوب اجازه گرفتن کودکان نابالغ» دلالت دارد (طوسی، تفسیر التبیان، ج ۷: ۶۶۰ و طبرسی، مجمع البیان، ج ۷: ۲۴۳؛ راوندی، فقه القرآن، ج ۲: ۱۳۰). موید این احتمال روایتی است که در توضیح همین فراز می‌فرماید: «قال علیکم استیذان کاستیذان من قد بلغ فی هذه الثلاث ساعات» و از تعبیر «علیکم» استفاده می‌کند و به وجوب اجازه گرفتن افراد بالغ نیز تشبیه می‌کند.

۳. احتمال سوم نیز صیغه امر را مولوی و شرعی می‌داند؛ اما به دلیل ادله رفع قلم از صبی، به استحباب اجازه گرفتن کودکان نابالغ حکم می‌دهد.

این سه احتمال در کلام محقق اردبیلی نیز وجود دارد (اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن، ج ۲: ۵۰۵). در بررسی این سه احتمال، باید توجه داشت که روح ادله (رفع قلم از صبی) امتنان و بر داشتن عذاب از کودکان است؛ به همین دلیل و نیز به دلیل «اصاله المولویه» در متون دینی، احتمال اول که این تکلیف را تمرینی می‌شمارد باطل می‌شود. همچنین احتمال دوم با ادله رفع قلم از کودکان، ناسازگار است و باطل می‌شود؛ زیرا ادله رفع قلم، حاکم بر ادله اجازه گرفتن است. بنابراین، احتمال سوم تعیین می‌یابد؛ یعنی اجازه گرفتن بر کودکان نابالغ، مستحب است و ترک آن، سبب عذاب اخروی نمی‌شود؛ ولی انجام آن، مستلزم ثواب اخروی است.

نتیجه آنکه بر کودکان نابالغ، مستحب است برای ورود به خلوتگاه والدین، اجازه بخواهند و اجازه خواستن بر افراد بالغ، واجب است. فیض کاشانی در کتاب الوافی، بابی به عنوان «باب الاستیذان» گشوده و روایات از پیشوایان معصوم نقل کرده است که مفاد و مضمون آنها حکیمانه، در خور توجه، زیبا و متعالی است. از جمله اینکه: از پیامبر (ص) نقل شده؛ حریم زنان را پاس داشته و ورود مرد نامحرم و هر بیگانه‌ای را در حریم زنان بدون اجازه سرپرست و اولیای آنها ممنوع کرده است: «نهی رسول الله (ص) ان یدخل الرجل علی النساء الا باذن اولیائهن» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۲: ۸۴۱).

امام صادق(ع) می‌فرماید: «در صورتی که دختر شخصی یا خواهر او ازدواج کرده‌اند، او حق ندارد سرزده به آنها وارد شود، بلکه باید اجازه بگیرد» (همان: ۸۴۱).

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «هرگاه والدین در خلوت باشند و فرزندان بخواهند بر آنان وارد شوند، باید اجازه بگیرند» (همان: ۸۴۲). سنت رسول خدا چنین بوده که هرگاه برای دیدار دخترش حضرت زهرا(س) می‌رفت، اجازه می‌گرفت و اگر جوابی نمی‌شنید، بر می‌گشت. (همان: ۸۴۳).

جمع بندی مساله

در مساله دوم به این نتیجه رسیدیم که مجامعت در حضور کودک بیدار و هوشیار، به شدت، مکروه است و در مواردی، پنهان‌کاری والدین در این زمینه، واجب خواهد بود. مساله سوم با تاکید بر آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نور بر آموزش اجازه گرفتن متمرکز شده و مجموعه دست آوردهای فقهی به قرار ذیل است:

۱. آموزش اجازه گرفتن به کودکان نابالغ بر والدین، مستحب است.
۲. زمان آموزش اجازه گرفتن از دوره‌ای است که کودکان، توان فهم این مساله را داشته باشند؛ هرچند وظیفه پنهان‌کاری و تحفظ در روابط زناشویی، مطلق است و سنین پیش از سن تمیز را نیز شامل می‌شود و تحفظ در همبستری، نسبت به کودکان غیرممیز نیز استحباب دارد.
۳. همچنین بر کودکان نابالغ، مستحب است که برای ورود به خلوتگاه والدین، اجازه بخواهند. این امر برای افراد بالغ و بزرگسال، واجب است.

مساله چهارم: جداسازی بستر خواب فرزندان

از جمله روش‌های مراقبتی در تربیت جنسی که روایات بر آن تاکید دارند، جداسازی بستر خواب فرزندان است که در منابع فقهی نیز انعکاس یافته است (رک: خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۲: ۸۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۴: ۵۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۹۵۵ و...).

فیض کاشانی نیز در کتاب الوافی، بابتی به عنوان تربیت فرزند گشوده و آنجا به این مهم پرداخته که محیط خانواده و فضای ارتباطات درونی آن باید کاملاً سالم و به دور از تحریک جنسی باشد. او به استناد روایات و احادیث، بر این نکته تاکید کرده که بستر کودکان و به ویژه کودکان ناهمجنس، باید از سن شش سالگی

به بعد از یکدیگر جدا شود؛ زیرا اگر ارتباط و معاشرت درونی خانه سالم باشد، بی‌تردید غریزه جنسی در افراد به صورت طبیعی و عادی پرورش می‌یابد و هرگز به بلوغ زودرس نمی‌انجامد.

در این جا مناسب است به پاره‌ای از روایات و احادیث مورد استناد اشاره کنیم:

دلیل ۵: صحیحہ عبد الله بن میمون؛

«عبدالله بن میمون عن جعفر بن محمد عن ابیه عن آبائه (ع) قال: قال رسول الله (ص) الصبی والصبی والصبی و الصبیہ و الصبیہ و الصبیہ یفرق بینهم فی المضاجع لعشر سنین؛ پیامبر (ص) فرمودند: باید بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و پسر بچه با دختر بچه و دختر بچه با دختر بچه، در ده سالگی از هم جدا شود». (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۳۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۲۳۱).

عبارت «یفرق بینهم» جمله خبریه در مقام انشاء است و بر وجوب دلالت می‌کند. پیامبر (ص) در این روایت با صراحت به جدا سازی بستر دختران از هم و پسران از هم و نیز پسر و دختر، از ده سالگی، امر کرده است. در کتب عامه نیز جداسازی بستر کودکان، پس از ده سالگی مورد توجه بوده است؛ از جمله اینکه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «نماز را در هفت سالگی به فرزندان، آموزش دهید و در ده سالگی به علت انجام ندادن نماز بزنید و رختخواب آنان را جدا کنید؛ علموا اولادکم الصلاه اذا بلغوا سبعا واضربوهم علیها اذا بلغوا عشرة و فرقوا بینهم فی المضاجع» (المتقی الهمدی، ۱۴۲۴، ج ۱۶: ۱۸۳).

دلیل ۶: روایات جداسازی بستر کودک ده ساله از بستر بانوان

«علی بن ابراهیم عن ابیه عن جعفر بن محمد الاشعری عن ابن القداح عن ابی عبد الله (ع) قال: یفرق بین الغلمان النساء فی المضاجع اذا بلغوا عشر سنین؛ امام صادق (ع) فرمودند: بین پسر ها و زنان، وقتی به ده سالگی رسیدند در بستر، جدایی انداخته می‌شود». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۷)

«عن الباقر (ع) قال: یفرق بین الغلمان والنساء فی المضاجع اذا بلغوا عشر سنین؛ امام باقر (ع) فرمود: وقتی پسر ها و زنان به ده سالگی رسیدند بسترشان جدا می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۹۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۳۷۰ و ۲۲۳).

درباره این روایت باید توجه داشت که این روایت بر جداسازی بستر پسران و زنان تاکید می‌کند. اگر سند این روایت معتبر بود، می‌توانستیم بر وجوب جداسازی بستر کودکان ده ساله از بستر بانوان، حکم کنیم؛ اما این روایات درباره دختران ساکت است و برای تنقیح مناط این حکم به دختران باید به تعمیم حکم، اطمینان داشت.

دلیل ۷: روایات جداسازی پس از شش سالگی

در مرفوعه‌های دیگر، حکم جداسازی، از شش سالگی کودکان بیان شده است: «روی انه یفرق بین الصبیان فی المضاجع لست سنین؛ بستر خواب کودکان در شش سالگی باید از هم جدا شود» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۳۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۲۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۹۷، طبرسی، ۱۴۱۲ و ۱۳۷۰: ۲۲۳).

تبیین زوایای حکم

در جمع‌بندی این روایات با توجه به صحیح‌ه عبدالله بن میمون می‌توان گفت: که جداسازی بستر کودکان از یکدیگر از سن ده سالگی واجب است.

وظیفه والدین در جداسازی: اولین سؤال این است که با توجه به روایات بالا، حکم جداسازی بستر کودکان چیست؟ شماری از فقیهان ضمن اذعان به اینکه ظاهر روایات، وجوب تفریق است، بنای قیهان را خلاف دانسته (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۴: ۵۲) برخی دیگر، آن را بر استحباب حمل کرده‌اند؛ به دو قرینه: به قرینه اتحاد سیاق در مرفوعه عیسی بن زید و نیز به قرینه اینکه جداسازی بین افراد بالغی که برهنه نباشند واجب نیست (اشتহারدی، ۱۴۱۷، ج ۲۹: ۱۲۸). در یکی از بیانات، کمبود اتاق‌های متعدد و رختخواب در زمان ائمه (ع) مویدی برای این نکته دانسته شده که وجوب جداسازی به عسر و حرج منجر می‌شود؛ از این رو باید به استحباب، حکم داد. (خویی، ۱۴۰۹: ۸۹).

در بررسی این دیدگاه‌ها و تعیین وظیفه والدین در جداسازی بستر خواب فرزندان، باید گفت که با توجه به صحیح‌ه عبدالله بن میمون و روایات موید دیگر، نمی‌توان از حمل روایات بر وجوب جداسازی بستر کودکان از ده سالگی صرف نظر کرد؛ به ویژه اینکه اخبار در مقام انشاء از نگاه ادبی، تاکید بیشتری دارد.

درضمن، سیاق مرفوعه عیسی بن زید با وجوب تفریق، منافاتی ندارد. همچنین واجب نبودن جداسازی افراد بالغ غیر برهنه نیز دلیلی برای دست برداشتن از ظهور تفریق مضاجع کودکان نیست. البته عسر و حرج، عنوانی ثانوی است که هرگاه عارض شود، حکم اولی را تغییر می‌دهد. همچنین امکانات محدود و فقر عموم در زمان ائمه (ع) قرینه‌ای تام برای حمل بر استحباب به شمار نمی‌رود؛ زیرا جداسازی رو انداز کودکان برای صدق جداسازی بسترها کفایت می‌کند.

نتیجه آنکه، جداسازی بستر کودکان از ده سالگی بر والدین، واجب است.

همچنین درباره اختصاص این وظیفه به والدین باید متذکر شد که اولاً: روایات به ویژه صحیحہ عبدالله بن میمون اطلاق دارد (یفرق بینهم)؛ ثانیاً: اگرهم کسی ادعا کند که مناسبات حکم و موضوع، این روایات به پدر و مادر انصراف دارد، باید گفت: با اطمینان بالایی می‌توان گفت که این حکم به غیر والدین نیز تسری می‌یابد و بر هر کسی که با کودکان تعامل دارد، واجب است که بسترشان را از ده سالگی جدا کند (مانند مربیان در مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست و...) همچنین این تکلیف از نوع واجب کفایی است.

جمع بندی مساله

جمع بندی چهارمین مساله در این مبحث را می‌توان چنین بیان کرد: بر والدین واجب است که بستر خواب فرزندان (دختر و پسر) را از ده سالگی جدا سازند؛ خواه شخص جدا شونده، همجنس باشد یا مخالف؛ محرم باشد یا نامحرم؛ بزرگ باشد یا نه؛ برهنه باشند یا با لباس.

جمع بندی کلی و نتیجه گیری

این مبحث به بررسی مسئولیت‌ها و وظایف والدین در تربیت جنسی فرزندان اختصاص داشت و تربیت جنسی را چنین تعریف کردیم؛ مجموعه اقدامات مربیان برای جهت‌گیری مناسب غریزه جنسی و جلوگیری از انحرافات جنسی در دوره پس از بلوغ.

مجموعه نتایج فقهی این مبحث به قرار ذیل است:

۱. تربیت جنسی فرزندان و قرار دادن گزینه جنسی در مسیر صحیح کنترل و ارضا بر والدین واجب است.
۲. مفهوم «آموزش جنسی» به معنای انتقال اطلاعات جنسی به فرزندان یا مشمول ادله وجوب است و یا اینکه مقدمه تربیت جنسی محسوب می‌شود و از باب وجوب مقدمه واجب الزامی است. محتوای این آموزش‌ها دست کم شامل احکام مورد نیاز فرزندان، اعم از احکام روابط محرم و نامحرم و... نیز مسایل مربوط به احتلام می‌شود.
۳. هرچند فرزندان، پیش از بلوغ، تکلیفی در مسائل جنسی ندارند؛ اما برای تثبیت و نهادینه کردن ارزش‌های اسلام در مسائل جنسی، والدین باید اقدامات مراقبتی و تربیتی خود را پیش از بلوغ، ترتیب دهند؛ به عبارت دیگر، وجوب تربیت جنسی بر والدین، هم جنبه پیشگیرانه دارد و هم درمان‌گرانه.
۴. این مسئولیت، به صورت عینی بر پدر و مادر واجب است؛ هرچند با انجام کامل یکی از والدین، از دیگری ساقط می‌شود.
۵. باید توجه داشت که این تکلیف از نوع واجب توصلی است؛ یعنی انجامش متقوم به قصد قربت الهی نیست؛ البته اگر به نیت خداخواهانه در تعامل با فرزندان، تاثیرات روان‌شناختی زیاد و نیز ثواب اخروی دارد.
۶. زمان آغاز وجوب تربیت جنسی از پیش از بلوغ است؛ ولی بر مبنای آیه وقایه و نیز رساله الحقوق، انتهای زمانی برای آن متصور نیست؛ یعنی والدین نسبت به جهت‌گیری صحیح گزینه جنسی و هدایت آن به کانال صحیح ارضا و کنترل آن تا سنین بزرگسالی فرزندان نیز مسئولیت دارند. البته شیوه برخورد با فرزندان جوان و بزرگسال، اقتضائات خاصی دارد که باید رعایت شود.
۷. تکلیف حفاظتی والدین، مشروط به احتمال تاثیر است؛ بنابراین اگر والدین به عدم تاثیر اطمینان داشته باشند، وظیفه‌ای بر عهده آنان نیست. همچنین منظور از این اطمینان، اطمینان شخصی والدین است؛ نه اطمینان نوعی.
۸. همبستری والدین در حضور کودک بیدار و هوشیار، حرام، و پنهانکاری روابط جنسی همسران از دید فرزندان، از باب وجوب وقایه (تحفظ)، واجب است.
۹. آموزش اجازه گرفتن به کودکان نابالغ، بر والدین، مستحب است.

۱۰. زمان اجازه گرفتن از دوره‌ای است که کودکان، توان فهم این مسائل را داشته باشند؛ هرچند وظیفه پنهان کاری و تحفظ در روابط زناشویی، مطلق است و سنین قبل از سن تمیز را نیز شامل می‌شود.
۱۱. همچنین بر کودکان نابالغ، مستحب است تا برای ورود به خلوتگاه والدین، اجازه بخواهند و این امر، برای افراد بالغ و بزرگسال، واجب است.
۱۲. بر والدین واجب است تا بستر خواب فرزندان (دختر و پسر) را از ده سالگی جدا کنند؛ خواه شخص جدا شونده، همجنس باشند یا جنس مخالف؛ خواه محرم باشند یا نامحرم؛ خواه بزرگسال باشند یا نه؛ خواه برهنه باشند یا با لباس باشند. والسلام علیکم ورحمه الله و بکاته.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. امام سجاده (ع)، رساله الحقوق، محمد سپهری، قم: موسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۹ش.
۳. ابن اشعث کوفی، محمد بن محمد، الجعفریات (الاشعشیات) تهران: مکتبه النینوی الحدیثه، بی تا.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البیان فی احکام اقرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی، بی تا.
۵. اشتهاودی پناه، علی، مدارک العروه، تهران: دارالاسوه للطباعه وانشر، ۱۴۱۷.
۶. المتقی الهندی، کنز العمال، تحقیق: محمود عمر الدمباطی، بیروت، دالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۷. انصاری قدرت الله و همکاران، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) چاپ اول، ۱۴۲۹ق ج ۱، ۲، ۳.
۸. حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروه الاثقی، قم، موسسه دارالتفسیر، ۱۴۱۶ق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعہ، قم، موسسه آل البيت ۱۴۰۹ق.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، موسوعه، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخویی ۱۴۱۸ق.
۱۱. ----- مبانی العروه الاثقی، قم، منشورات مدرسه دارالعلم، لطفی ۱۴۰۹ق.
۱۲. دبس، موریس، مراحل تربیت؛ ترجمه علی محمد کاردان؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۳. راوندی، قطب الدین، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، قم کتاب خانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۱۴. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، بی جا، موسسه المنار، ۱۴۱۳ق.

۱۵. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم: موسسه پژوهشی رای رازی، ۱۴۱۹ق.
۱۶. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن؛ مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۳ش.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق و ۱۳۷۰ش.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۰. طوسی محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المومنین (ع) ۱۴۰۶ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار...، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۲۵. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت (ع) ۱۴۰۸ق.